



معرفی دو کتاب

تهذیب الأحكام و الإستبصار

چکیده: «تهذیب الأحكام» و «الإستبصار فی ما اختلف من الاخبار» از آثار ارزشمند و گرانبهای شیخ طوسی می‌باشد. شیخ، به تشویق یکی از دوستانش و با اطلاع از اختلافی که بین روایات شیعه بوده و شبهاتی را موجب گردیده بود، کتاب «تهذیب الأحكام» را گرد آورد و در آن به ذکر اخبار و احادیث مورد اختلاف و اتفاق و نیز طریقه‌ی جمع بین آنها پرداخت و کتاب «استبصار» را نیز در سه بخش تنظیم کرد و پس از ذکر فتاوی خود در ابتدای

* دانشجوی دوره کارشناسی دانشکده علوم حدیث (ورودی ۷۹).

هر باب احادیث مورد اعتماد خویش و نیز احادیث مخالف را آورده و
 طریقه‌ی جمع بین آنها را توضیح داده است.
 در این مقاله گزارشی از انگیزه مؤلف و چگونگی تنظیم و تألیف این دو کتاب
 ارزشمند به اطلاع خوانندگان گرامی می‌رسد.

تهذیب الاحکام

تهذیب الاحکام یکی از کتب قدیمی و مورد اعتماد نزد شیعه
 اثنی عشری از زمان تألیف تاکنون می‌باشد.

شیخ آغابزرگ تهرانی در الذریعه^۱ آورده است: شیخ طوسی مؤلف
 کتاب تهذیب الاحکام، این کتاب را از اصول مورد اعتماد نزد قداما - که
 خداوند برای او مهیا کرده بود - استخراج کرد. این اصول از هنگام ورود
 او به بغداد در سال (۴۰۸ هـ. ق) تا زمان مهاجرتش به نجف اشرف در
 سال (۴۴۸ هـ. ق) در اختیار او بود، و برخی از آنها در کتابخانه‌ی هشتاد
 هزار جلدی استادش، سید مرتضی - که در کتب تاریخی نیز در وجه
 تسمیه‌ی ایشان به «ثمانینی» به این نکته اشاره شده است - بود. و نیز به
 نقل از یاقوت حموی (ج ۲، ص ۱۲۹) برخی دیگر از این اصول که در
 کتابخانه «سابور» - کتابخانه‌ای که در کرخ بغداد برای شیعیان تاسیس شده
 و در جهان هیچ کتابخانه‌ای که کتاب‌هایش بهتر از آن باشد وجود ندارد،
 - بوده و همه به خط بزرگان و پیشوایان مورد اعتماد نوشته شده که در
 اصول، بسیار راه‌گشا و چاره سازند.

شیخ طوسی تمام کتاب طهارت تا ابتدای کتاب صلوة را به عنوان

۱. رک: الذریعه إلى تصانیف الشیعه، ج ۴، ص ۵۰۴-۵۰۷.

شرحی بر کتاب «المقنعة» نوشته‌ی استادش شیخ مفید (م. ۴۱۳. هـ) نگاشت. شروع نگارش این کتاب در زمان حیات شیخ مفید بود و شیخ طوسی در این هنگام ۲۵ یا ۲۶ سال داشت اما این کتاب را پس از وفات شیخ مفید به پایان برد.

شیخ ابواب کتابش را در ۳۹۰ باب و ۱۳۵۹۰ حدیث تنظیم کرد و پس از آن به تألیف کتاب استبصار همت گمارد.

پیش از این یادآور شدیم که شیخ طوسی، خود در مقدمه‌ی کتاب استبصار به توصیف «تهذیب» پرداخته و بر خلاف استبصار که به ذکر اخبار مورد اختلاف بسنده کرده، در این کتاب هم روایات مورد اتفاق را آورده و هم روایات مورد اختلاف را، و طریقه‌ی جمع بین آن‌ها را نیز توضیح داده است.

وی در مقدمه به هنگام معرفی تهذیب در مورد انگیزه تألیفش چنین می‌گوید:

«یکی از دوستان که خداوند ایشان را موید دارد که حقی بر گردن ما دارند^۲ - در مورد احادیث شیعیان و اختلاف و تضادی که بین آن‌ها وجود دارد با من به گفتگو پرداختند، چنان‌که گویی در مورد خبری توافق حاصل نمی‌شود مگر این که در مقابلش خبری مخالف با آن وجود دارد و حدیث صحیحی نیست مگر این که در مقابلش خبری منافی با آن قرار گرفته است. این وضعیت (تا بدان‌جا رسید که) مخالفین ما آن را از

۲. این فعل به صیغه مضارع آمده و در برخی نسخ نیز نوشته شده است: «کسانی که حششان بر ما واجب است».

بزرگ‌ترین بهانه‌ها برای طعن و افترا بر مذهب ما برشمردند و بدین وسیله به ابطال عقاید ما پرداخته و گفتند که مشایخ گذشته و امروز شما مخالفینشان را به خاطر اختلاف در دینشان مورد طعن و سرزنش قرار می‌دهند و آنان را به تفرقه در فروع (احکام) متهم می‌کنند و معتقدند که سزاوار نیست انسان [خداوند را] این‌گونه عبادت کرده و اعمالش را این‌گونه به‌جای آورد. حال آن‌که موارد اختلاف بین شما موارد بیش از مخالفیتان می‌باشد. و وجود همین اختلافات بین شما - با وجود این که خودتان این امر را اختلافات را باطل می‌دانید - بر فساد اصل دلالت دارد! (این وضعیت تا بدان‌جا رسید که عده‌ای که از دانش و بینش کافی برخوردار نبودند و معانی الفاظ را به خوبی (در نمی‌یافتند) گرفتار شبهه شدند و بیشتر آنان از اعتقاد شیعی خود به این دلیل که امر بر آن‌ها مشتبه شده و توان حل شبهه را نداشتند روی گردانند. شنیدم که استاد ما اباعبدالله که خدا ایشان را موید بدارد - مقصود شیخ مفید است - می‌گوید: ابوالحسین هارونی علوی به آیین حق (شیعه) معتقد بود و به امامت ایمان داشت، اما در مواجهه با اختلاف احادیث دچار ابهام شده، از ایمان خویش دست شست و مذهبش را ترک گفت و چون وجوه (مختلف) معانی آن احادیث برای او روشن نشد به (مذهبی) دیگر گرایید. این امر دلیلی است بر این که وی بدون بصیرت در این طریق گام نهاده و مقلدانه به مذهب روی آورده است، چرا که اختلاف در فروع موجب ترک اصول ثابت نمی‌شود.

برخی دوستان خاطرنشان کردند: حال که مسئله چنین صورتی به

خود گرفته است، شرح کتابی که در بر دارنده‌ی تاویل اخبار مورد اختلاف و احادیث متنافی باشد از اهمّ امور دینی و اعظم تقرّبات به خداوند است. (چرا که) این کار هم بهره وافر و نصیب دانش‌پژوهان می‌سازد و هم تعلیم و مهارتی است در علم.»

(نیز) شیخ در مقدمه می‌افزاید: «از من خواستند^۳ که رساله استاد خویش ابی عبدالله^۴ موسوم به المقنعه را [برای این کار] مدنظر قرار دهم، چرا که معانی آن صریح و قانع‌کننده بوده و در بیشتر احکام شرعی مورد نیاز کافی و از حشو نیز بدور است. همچنین خواستند از ابتدای باب طهارت شروع به شرح کنم و ابوابی را که قبل از آن در خصوص توحید و عدل و نبوت و امامت آورده است به کنار نهم، چرا که، شرح آن به طول می‌انجامد. مقصود از این کتاب نیز بیان اصول نیست [بلکه] هر باب را بر اساس آنچه بدان پرداخته مورد بررسی قرار می‌دهم. (ابتدا) مسئله ای را مطرح می‌کنم سپس برای آن مسئله استدلالی، یا از ظاهر قرآن - چه نص صریح آیه، چه معنا و مفهوم آیه، چه دلیل یا معنای آن^۵ - یا از سنت

۳. درخواست‌کننده همان‌گونه که در آغاز سخن شیخ آمده است یکی از دوستان وی می‌باشد: «یکی از دوستان که خداوند ایشان را مویذ بدارد که حقی بر ما دارند...» اما نامی از وی به میان نمی‌آورد.

۴. مقصود شیخ از استادش ابی عبدالله، همان محمد بن محمد بن نعمان ملقب به مفید است که صاحب کتاب المقنعه در فقه می‌باشد که به چاپ رسیده است.

۵. مقصود از ظاهر قرآن اعم از آن و نص صریح آن است که به دلالت مطابقی یا تضمینی بدان راه می‌یابیم چه اعم از نص باشد چه ظاهر، مقصود از محتوا آن است که در مفهوم، موافق با مطلب مورد نظر باشد. مقصود از دلیل آن است که در مفهوم، مخالف با مطلب مورد نظر باشد. مقصود از معنی نیز بقیه افراد دلالت التزامی می‌باشد اعم از اقتضاء و ایماء و اشاره.

قطعیه اعم از اخبار متواتر، و اخبار مقرون به قراینی که بر صحت آن دلالت دارد، و یا اجماع مسلمین - اگر در آن مسئله (اجماعی) داشته باشند - یا اجماع شیعیان بنا می‌کنم، سپس احادیث مشهور^۶ شیعیان را که در آن مسئله وارد شده است ذکر می‌کنم، سپس در آنچه پس از آن وارد شده و متضاد با آن می‌باشد تأمل کرده و وجوه آن را یا با تأویل و جمع بین این دو دسته از احادیث یا بیان وجه فساد آن، چه توسط ضعف سند و چه توسط عمل به خلاف مضمون آن روشن می‌کنم. و اگر بین دو خبر به گونه‌ای که هیچ‌یک بر دیگری ترجیح نداشت اتفاق حاصل شد توضیح دهم که باید به حدیثی عمل شود که موافق دلالت است و عمل به آنچه که خلاف اصل است باید ترک شود، و همین‌طور اگر حکم به گونه‌ای بود که نصی برای تعیین آن وجود نداشت آن را بر آنچه اصل اقتضا می‌کند حمل می‌کنم، و هرگاه بتوانم برخی احادیث را که اشکال و تردیدی در سند آنها نیست تأویل کنم از این کار فروگذار نمی‌کنم و می‌کوشم تا در راستای معنای آن حدیث تأویل شده، حدیث دیگری را که متضمن آن معناست بیاورم، چه این حدیث را صریحا ذکر کنم یا محتوای آن را بیان کنم تا این که هم اظهار نظری کرده باشم و هم روایت را تأویل کرده باشم. هر چند این کار به عهده من نیست اما (انجام آن) موجب تمسک به احادیث می‌شود، و من تا پایان این کتاب به این شیوه عمل کرده و آن را به گونه‌ای توضیح می‌دهم که بر هیچ‌کس پوشیده و مبهم

۶. حدیث مشهور آن است که بیش از سه نفر آن را روایت کنند. همچنین منظور از لفظ «اصحابمان» امامی اثنی عشری می‌باشد.

نباشد. وقتی دیدم این کار فایده بسیاری در دین و بهره و افری در شریعت دارد و ادای حق این دوست نیز، که خداوند او را موید بدارد، بر من واجب است تصمیم به نوشتن این کتاب گرفتم.

امید آن دارم - اگر خداوند اتمام این کتاب را به شیوه‌ای که گفتم بر من آسان گرداند و مرا در به‌پایان رساندن آن همان‌گونه که قول داده‌ام موفق گرداند - در نوع خود کتابی کامل بوده و مشتمل بر اکثر احادیثی باشد که مربوط به احکام شریعت است و (نیز عاملی) آگاه‌کننده باشد بر آن دسته احادیثی که این کتاب شامل آن‌ها نیست. چرا که (این کتاب) منحصر به فتاوی کتاب «المقنعه» می‌باشد و من قصد ندارم چیزی بر آن بیفزایم، زیرا اگر خداوند مرا بر اتمام این کتاب توفیق رساند، شروع به شرح کتابی خواهم کرد که در بر دارنده‌ی تمام احادیث شیعه یا بیشتر آن‌ها باشد و تا آن‌جا که در توان دارم بررسی جامعی در این زمینه انجام خواهم داد، ان شاء الله»

این، گفتاری بود که شیخ در مقدمه کتابش «التهذیب» آورده است و در آن‌جا - همان‌گونه که خواندید - چنین گفته است: «طبق این روش تا آخر کتاب عمل می‌کنم». اما می‌بینیم وی روشی را که وعده داده است تا آخر کتاب به آن عمل کند، ادامه نداده است. چنان‌که خود در مقدمه مشیخه که در انتهای کتاب آن را ترتیب داده است می‌گوید: «در آغاز این کتاب شرط کرده بودیم که به شرح مضمون «المقنعه» اکتفا کنیم و آن را به (صورت) مسئله مطرح کنیم و براهینی را از ظواهر قرآن و ادله‌ای که به علم منتهی می‌شود بر آن‌ها اقامه کنیم و به دنبال آن‌ها بخشی از اخباری را

که مخالفین ما روایت کرده‌اند بیاوریم و سپس آنچه متعلق به احادیث شیعه می‌باشد ذکر کنیم و در هر مسئله احادیث مورد اختلاف و اتفاق را نیز بیاوریم. در بخش اعظم کتاب طهارت به این شرط عمل کردیم اما متوجه شدیم که این (روش)، شرح (ما) را از مقصود اصلی خود خارج می‌سازد، و کتابی ناقص و ناکافی خواهد بود. بنابراین از این شیوه دست برداشتیم و به شیوه نقل احادیث مورد اختلاف و اتفاق شیعه روی آوردیم، و پس از آن دریافتیم که اتمام این شیوه بهتر از اطناب مسائل دیگر می‌باشد. پس بدین شیوه روی کرده و «زیاداتی» را که از آن‌ها صرف نظر کرده بودیم آوردیم، و در آوردن (خبر) نیز به ذکر (نام) مصنفی که خبر را از کتاب او گرفته یا صاحب اصلی که حدیث را از اصل او گرفته‌ایم بسنده کردیم و تمام تلاش خود را به کار گرفتیم تا آنچه را متعلق به احادیث شیعه بوده و در مورد آن‌ها اختلاف یا اتفاق نظر وجود دارد بیاوریم، همچنین چگونگی تاویل احادیث مورد اختلاف را طبق وعده‌ای که در آغاز کتاب داده بودیم روشن کردیم و این تاویل را به یکی از دو خبری که بر دیگری حاکم است اسناد داده‌ایم و نیز احادیث موافق با آن‌ها را آوردیم تا اندوخته‌ای باشد برای کسانی که در جستجوی فتاوا از طرق احادیث هستند.

و اکنون، از آن‌جا که خداوند توفیق اتمام کتاب را بر ما ارزانی داشت، طرقی را که توسط آن‌ها به روایت این اصول و مصنفات دست یافته‌ایم ذکر می‌کنیم و آن‌ها را در نهایت اختصار می‌آوریم تا اخبار توسط این طرق از حد مراسیل خارج شده و به مسندات ملحق گردد. باشد که

خداوند راه اتمام مقصود را در شرح روایاتی که بدین روش آغاز کردیم بر ما هموار گرداند تا به خواست و یاری خداوند آن را با یک بررسی دقیق و کامل به انجام رسانیم.»

(اما) می‌بینیم وی از وعده خود در مقدمه کتاب مبنی بر چگونگی تألیف و اسلوبش، در پایان کتاب منصرف شده است. و به مضمون کتاب «المقنعه» پایبند نبوده و به احادیث شیعه بسنده کرده است. شاید آنچه باعث عدول وی (از شیوه‌ای که بدان وعده داده بود) شده است طعن مخالفین بر مذهب امامیه باشد، علیرغم این که ایشان بیشترین اختلاف را در فروع دارند. و این «زیادات» که به آن‌ها اشاره کردیم مستدرکاتی است که بر اصل کتاب نوشته شده است و جزئی از کتاب می‌باشد.

لازم به ذکر است که هر آنچه در کتاب «التهذیب» از ابی‌جعفر (ع) روایت شده مقصود امام باقر (ع) می‌باشد، و روایاتی که از ابی‌عبدالله (ع) روایت شده منظور امام جعفر صادق (ع) می‌باشند. روایاتی که از «أحدهما» روایت شده، منظور امام باقر (ع) یا امام صادق (ع) می‌باشند، و روایاتی که از ابی‌الحسن (ع) یا از ابی‌الحسن الماضی یا از «العالم» یا از «الفقیه» یا از «العبد الصالح» یا از «الرجل» یا از «الشیخ» روایت شده منظور امام کاظم (ع) می‌باشد. نیز در روایات مروی از ابی‌الحسن الثانی (ع) منظور امام علی بن موسی الرضا (ع) می‌باشد و در روایات مروی از ابی‌جعفر الثانی (ع) مراد امام جواد (ع) بوده و در روایات مروی از ابی‌الحسن الثالث (ع) مراد امام هادی (ع) می‌باشد. در روایات مروی از ابی‌محمد (ع) (نیز) مراد امام حسن عسکری (ع) می‌باشد. این مطلب از

نسخه خطی سید احمد علوی عاملی نقل شده است، همچنین در حاشیه کتاب التهذیب چاپ اول (ص ۲) چاپ شده است و خوانندگان می‌توانند (برای اطلاع بیشتر) به آن مراجعه کنند.

«التهذیب» در سال ۱۳۱۷ ه.ق. در ایران در دو جلد بزرگ به چاپ رسید و در همین ایام نیز در نجف اشرف اقدام به چاپ دوم آن شد.^۷ جلد اول این چاپ در تبریز به خط نویسنده آن بدست آمده است که خط شیخ بهایی، در کتابخانه سید میرزا محمد حسین علی اصغر شیخ الاسلام طباطبایی متوفی ۱۲۹۴ هـ بر آن می‌باشد. این کتاب اکنون در اختیار نوادگان ایشان است.^۸

تمام بخش‌های «التهذیب» - جز بخش کوچکی از آن - تا اواخر قرن ۱۰ به خط مؤلف آن موجود بوده است. شیخ عزالدین حسین بن عبدالصمد پدر (شیخ) بهایی تمام «التهذیب» را به خط خود نوشت و

۷. در کتابخانه ما نسخه‌ای از «التهذیب» موجود است که شاگرد علامه مجلسی اول، محمد بن محمود بن علی طبسی، آن را با خط زیبایی نوشته است. وی کتابت جلد اول را در روز دوشنبه بیست و چهارم ماه رمضان سال ۱۰۳۴ ه.ق. در دارالفضل شیراز در مدرسه میرزا لطف‌الله آغاز کرد و در ۲۳ جمادی‌الآخر سال ۱۰۴۱ هـ نگارش آن را به پایان برد. در پایان جلد دوم اجازه مجلسی دوم محمد باقر بن محمد تقی به خط محمود طبسی، شاگردش، نوشته شده که متن آن چنین است: «بسم الله الرحمن الرحيم فاضل پارسا و متقی محمود طبسی که خداوند او را در سماع و تصحیح و ضبط در مجالس گوناگون مویب بدارد جلد دوم این کتاب را در ۲۲ ذی‌قعدة الحرام سال ۱۰۹۶ هـ به پایان برد. به وی اجازه روایت از خود را با سندهای متصل به مولف، علامه شیخ‌الطائفه دادم. این نیازمندترین بنده به عفو پروردگار آمرزنده، فرزند مولی محمد تقی که خداوند روحش را به آرامش رساند، محمد باقر که خداوند از گناهانش درگذرد و او را با امامانش محشور فرماید این متن را به دست خطاکار فناپذیر خود نوشت، والحمدلله»

۸. ایشان خاندان طباطبایی صاحب المیزان در تفسیر قرآن می‌باشند.

کتابت این نسخه را در سال ۹۴۹ به پایان برد، در انتها نیز شهادت مقابله (این کتاب) این گونه آمده است:

«(این نسخه) جز اندکی از آن با نسخه اصلی که به خط مؤلف کتاب، شیخ طوسی، می باشد مقابله و تصحیح شد.»^۹

(از تهذیب الاحکام نسخه‌ای مربوط به سال ۶۸۲ هـ در «۲۲۳ برگ» در

شهر باکو موجود است. اوست آن نیز در محل نسخه‌های اصلی وجود

دارد، فیلم شماره ۲۵۶، نسخه بدلی نیز در مرکز جمعه الماجد به شماره

۵۷۹ موجود است و در نجف اشرف در سال ۱۳۷۸ هـ در ۱۰ جلد به

چاپ رسیده است اخیراً در تهران نیز در ۱۰ جلد به چاپ رسیده است.)

شرح‌ها و حاشیه‌های متعددی بر کتاب التهذیب نوشته شده که شیخ

(آغا بزرگ) تهرانی در الذریعه ج ۴، ص ۵۰۶-۵۰۵ از میان این شروح و

حواشی ۱۶ شرح و ۲۰ حاشیه را با ذکر اسامی مؤلفین آن‌ها نام برده

است. برخی کتاب‌هایی که متعلق به التهذیب می باشند نیز عبارتند از:

• «انتخاب الجید من تنبیهات السید» تألیف شیخ حسن بن محمد بن

علی بن خلف بن ابراهیم بن ضیف‌الله بحرانی دمیستانی متوفی سال ۱۱۸۱

هـ این کتاب خلاصه و تصحیحی از کتاب «تنبیه الأریب فی ایضاح

۹. رک: الذریعه تهرانی (۵۰۴/۴) و اضافه کرد: سید صدر علاء الملک مرعشی نسخه‌ای از

تهذیب را به خط خود در ۹۷۴ از نسخه‌ای که به خط شیخ حسین بن عبد الصمد می باشد

نوشت. و در انتهای آن همانگونه که ذکر کردیم صورتی از خط خود را آورده است. علاء

الملک مقابله نسخه‌اش را با نسخه شیخ حسین بن عبد الصمد در قزوین در ۹۸۶ به پایان برد و

پاورقی‌های آن را با تحقیقات رجالی خود و تحقیق و تصحیح در احوال راویان مذکور در

اسانید پر کرد. پس از آن مولی سلطان حسین ندوشنی یزدی استاد سلطان العلماء نسخه‌ای به

خط خود نوشت.

رجال التهذیب» تألیف سید هاشم بحرانی کتکسانی متوفی سال ۱۱۰۷ هـ می‌باشد. نگارش این کتاب در ۸ جمادی‌الاولی سال ۱۱۷۳ به پایان رسید. این کتاب در نوع خود کتابی بی‌نظیر است. نسخه‌ای خطی از آن در کتابخانه مرحوم سید حسین صدر کاظمی وجود دارد. همچنین در کتابخانه شیخ علی آل کاشف‌الغطاء، و در کتابخانه حسینیه در نجف نیز نسخه‌ای از این کتاب موجود است.^{۱۰}

«ترتیب التهذیب» تألیف سید هاشم بن سلیمان بن اسماعیل بن تویلی کتکسانی بحرانی. صاحب‌الریاض می‌گوید: این کتاب دارای مجلدات بسیاری است که هر حدیث را در باب مناسب خود آورده و توجه (خواننده) را نیز به برخی اغلاطی که در اسانید این احادیث وجود دارد جلب می‌کند.

سپس خود شرحی بر این کتاب نوشته است که غیر از کتاب «تنبیه الأریب فی ایضاح رجال التهذیب» وی می‌باشد.^{۱۱}

«تصحیح الاسانید» تألیف مولی محمد بن علی اردبیلی شاگرد علامه مجلسی و مؤلف «جامع‌الرواه» می‌باشد. وی در این کتاب به تصحیح بیشتر اسانید التهذیب و الاستبصار از مشیخه یا الفهرست که به نظر نادرست بودند پرداخت. علامه محدث نوری در خاتمه مستدرک‌الوسایل ص ۷۱۹ تمامی آن را با افزودن فوایدی که با لفظ «قلت» از اصل (کتاب) متمایز شده‌اند آورده است. مؤلف (نیز) گزیده‌ای مختصر از این کتاب را

۱۰. رک: الذریعه، ج ۲، ص ۳۵۸.

۱۱. ر. ک: الذریعه، ج ۴، ص ۶۴ و ترتیب التهذیب چاپ قم، در دو جلد بزرگ.

در فایده هشتم خاتمه کتاب «جامع الرواه» آورده است، علامه مامقانی این گزیده را در انتهای جلد سوم رجالش «تنقیح المقال» به چاپ رسانده است.^{۱۲}

«تنبيه الأريب و تذكرة اللبيب» در توضیح رجال التهذیب، تألیف سید هاشم بحرانی کتکائی، از این کتاب نسخه‌ای که بر نویسنده قرائت شده است به دست آمده که گزارش‌هایی بر آن به خط خودش دیده می‌شود و در کتابخانه علامه سید حسن صدر کاظمی موجود است. کتابی مبسوط در شرح اسانید «التهذیب» و بیان احوال رجال آن می‌باشد که به دلیل نیاز به اصلاح و تجدیدنظر، همان‌گونه که قبلاً گفته شد دمستانی آن را تصحیح کرده و «انتخاب الجید» نامیده است.

استبصار

نام این کتاب «الاستبصار فی ما اختلف من الأخبار» است و دارای سه بخش می‌باشد: دو بخش در خصوص عبادات و بخش سوم در خصوص دیگر ابواب فقهی از عقود و ایقاعات و احکام گرفته تا حدود و دیات می‌باشد. استبصار مشتمل بر بخشی از کتاب التهذیب می‌باشد بی‌آن‌که به ذکر اخبار مورد اختلاف و طریقه جمع بین آن‌ها محدود گردد. در حالی که التهذیب در برگیرنده احادیث مورد اختلاف و اتفاق است. شیخ طوسی خود در پایان کتاب، احادیث استبصار را ۵۵۱۱ حدیث

برشمرده^{۱۳} و می‌گوید: «من این کتاب را به سه بخش تقسیم کردم، بخش اول و دوم شامل روایات مربوط به عبادات می‌باشد و بخش سوم در مورد معاملات و دیگر ابواب فقه است.

بخش اول ۲۰۰ باب می‌باشد که جمعا شامل ۱۸۹۹ حدیث است.

بخش دوم ۲۱۷ باب بوده و ۱۱۷۷ حدیث در خود دارد.

و بخش سوم مشتمل بر ۳۹۸ باب است که جمعا دارای ۲۴۵۵

حدیث است.

حدیث است.

ابواب کتاب ۹۲۵ باب می‌باشد که دربردارنده‌ی ۵۵۱۱ حدیث است،

و از اینرو آن‌ها را برشمردم تا زیادت و نقصانی در آن‌ها روی ندهد.^{۱۴}

همان‌گونه که شیخ خود در مقدمه شرح می‌دهد استبصار را پس از

۱۳. ر.ک: آخر جلد چهار ص ۳۳۴-۳۳۵، چاپ نجف اشرف، تحت عنوان «باب ترتیب این کتاب و سندهای آن و تعداد ابواب و مسائلش». مذکور در ص ۳۰۴، در این صفحه آمده است: «در ابتدای کتاب احادیث را با سندهایشان آورده بودم و همین کار را در بخش اول و دوم آن‌جام داده بودم. اما در بخش سوم (این اسانید) را مختصر کرده و تصمیم گرفتم با ذکر نام راوی که حدیث را از کتاب یا اصل او گرفته‌ام شروع کنم، در حالی که هنگام فراغت از نگارش کتاب بخشی از سندها را که توسط آنها به این کتاب‌ها و اصول دست یافته بودم بر حسب آنچه در کتاب «تهذیب الاحکام» بدان عمل کرده‌ام آورده‌ام... سپس به ذکر اسانید پرداخته، سندش را با محمد بن یعقوب کلینی (ص ۳۰۵) شروع می‌کند و با ابی‌طالب الأنباری (ص ۳۳۴) به پایان می‌برد، چاپ نجف اشرف، البته لازم به ذکر است که شماره صفحات مورد سهو و غفلت واقع شده است و شماره ۳۰۵ (اشباها) ۲۹۷ ذکر شده است، این بی‌توجهی تا پایان کتاب هم مشاهده می‌شود، برخی علمای نجف اشرف شرح حال رجال اسانید را یادآور شده‌اند که در حاشیه به چاپ رسیده است. این چاپ جدید به دلیل صحت و استواری و حاشیه‌های مفیدش نسبت به دیگر چاپ‌ها ممتاز است.

۱۴. استبصار، چاپ نجف، (۳۳۴/۴).

پایان تألیف کتاب «التهذیب» نگاشت. (او می‌گوید: «... عده‌ای از شیعیان را دیدم که چون در کتاب بزرگ ما موسوم به «تهذیب الاحکام» نگریستند و دریافتند که ما در آن اخبار و روایات مربوط به امور حلال و حرام را گرد آورده‌ایم، و آن را دربردارنده بیشتر ابواب احکام فقه یافتند که در همه ابواب و کتاب‌هایش چیزی غیر از احادیث شیعه و کتاب‌ها و اصول و مصنفاتشان نیست مگر مواردی ناچیز و شذوذی اندک، و گنجینه‌ای است از روایات که دانش‌پژوه مبتدی در درک یافته‌هایش، و عالم و اندیشمند در یادآوری دانسته‌هایش، و پوینده راه علم و دانش در تعمق و تبحرش بدان روی می‌آورد، و هر یک از ایشان نیز به مطلوب خود دست یافته و به مقصود خویش نایل می‌شوند، مشتاقانه خواستند تا احادیث مورد اختلاف بنا بر طریق اختصار، مجرد (از اسناد) باشند، تا پویندگان فقه در شناخت آن و عالمان طریق علم و دانش نیز برای یادآوری بدان پناه برند. چرا که این دو گروه با (روایات) موافق، مانوس شده‌اند و چه بسا به جهت محدودیت وقت امکان جستجو در کتاب‌ها و تحقیق در آثار (و روایات) را نداشته باشند، پس بر روایات مورد اختلاف اشراف می‌یابند از این دو گروه. بیشترین بهره را از کتابی که مشتمل بر اکثر احادیث مورد اختلاف شیعه می‌باشد خواهند برد. گرچه دانش‌پژوه مبتدی نیز از فواید آن بی‌بهره نمی‌ماند. و نیز دریافتند کاری که به این شیوه انجام می‌شود شایسته عنایت و توجه بیشتری است، چه، در این کار بهره‌ای سرشار و نیک نام نهفته است، چرا که هیچ‌یک از مصنفین بزرگ شیعه در اخبار و فقه در امور حلال و حرام بدین کار اقدام نکرده است،

بنابراین از من خواستند به این امر اهتمام ورزیده و به گردآوری و تلخیص آن بپردازم. بنابر این من هر باب را با ذکر فتاوا و احادیث مورداعتماد خویش آغاز می‌کنم و روایات مخالف این احادیث را نیز در پی خواهم آورد و در ادامه طریقه جمع بین این اخبار را به گونه‌ای که تا حد امکان روایتی از بین نرود توضیح می‌دهم و این شیوه را مانند کاری که در دو کتاب بزرگم کرده‌ام به انجام خواهم رساند. و در ابتدای کتاب به بخشی از احادیثی که برخی بر برخی دیگر ترجیح دارند اشاره می‌کنم به این دلیل که عمل به بخشی از آن‌ها بدون در نظر گرفتن همه آن جایز است. این شیوه را در نهایت اختصار تبیین می‌کنم، چرا که شرح آن در این مجال نیست و در کتاب‌های نوشته شده در فقه در این باب سخن به میان آمده است.»

سپس شیخ در مقدمه انواع خبر را به دو بخش تقسیم می‌کند: اخبار متواتر و اخبار غیرمتواتر. اخبار متواتر آن است که به وسیله آن برای ما علم حاصل می‌شود. اخبار غیرمتواتر (نیز) به دو بخش تقسیم می‌شود: یک بخش آن است که موجب علم می‌شود و در واقع هر خبری است که قرینه علم‌آوری همراه آن باشد، سپس به ذکر انواع قرائن می‌پردازد. بخش دیگر موجب علم نگشته و از این قرائن عاری است، که خبر واحد نامیده می‌شود و عمل به آن طبق شرایطی جایز است. سپس به ذکر شرایط پرداخته (در نهایت) می‌گوید: «اگر در این عبارات بیندیشی در خواهی یافت که اخبار به طور کلی خارج از این اقسام نیستند و نیز خواهی دانست که آنچه را که در مورد فتاوایی (راجع به) امور حلال و حرام در

این کتاب و کتاب‌های دیگرمان بدان عمل کرده‌ایم از یکی از این اقسام خارج نبوده است...»^{۱۵}

کتاب «الاستبصار» در چاپخانه جعفریه در لکهنو (هند) در سال ۱۳۰۷هـ (در دو جلد) به چاپ رسید. (همچنین) بار دیگر در تهران (ایران) در سال ۱۳۱۷هـ به طبع رسید، و دیگر بار در چاپخانه نجف اشرف در سال ۱۳۷۵-۱۳۷۶هـ (نیز) به چاپ رسید. این طبع در ۴ جلد چاپ شده و با سه نسخه خطی مقابله شده و از دو چاپ دیگر ممتاز گردید. مقدمه (این کتاب) با «حیات شیخ طوسی» به قلم محقق بزرگ شیخ محمد اوردباری غروی آغاز شده و از تحقیق و تعلیقی که برخی از فرهیختگان نجف اشرف بر آن نوشته‌اند بسیار برتر است.

نسخه‌های خطی این کتاب بسیار است، از جمله آنها:

نسخه‌ای به خط شیخ جعفر بن علی بن جعفر مشهدی، که آن را در هشتم ذی‌قعدة سال ۵۷۳هـ به پایان برد، و با خط مؤلف عرضه کرد. این نسخه از کتب خطی کتابخانه شیخ کاشف‌الغطاء در نجف اشرف می‌باشد)^{۱۶}

شرح‌ها، حاشیه‌ها و تعلیقاتی برای استبصار نوشته شده که شیخ آغا بزرگ تهرانی آن‌ها را در الذریعه نام برده است.^{۱۷}

۱۵. رک: مقدمه کتاب استبصار (ج ۱، ص ۵۲) چاپ جدید در نجف اشرف سال ۱۳۷۵هـ.

۱۶. مصادر حدیث نزد امامیه، جلالی، (ص ۳۱)، آقای جلالی افست این نسخه را در منشورات المدرسه المفتوحه، رد شیکاگو به چاپ رسانیده است. نسخه‌ای نیز در CD کامپیوتری «الذخائر» از دکتر عباس کاشف‌الغطاء در نجف اشرف موجود است.

۱۷. رک: (ج ۲، ص ۱۶۱۵).

شیخ طوسی کتابی با عنوان «الخلافا» در احکام دارد که «مسائل الخلافا» نامیده می‌شود. این کتاب به ترتیب کتب فقهی مرتب شده است. در ابتدای آن آمده است: «... از من خواستید مسائل مورد اختلاف بین ما و مخالفینمان را از جمیع فقها چه متقدم و چه متاخر، بنگارم و روش هر یک از مخالفین را نیز ذکر کنم، (عقاید) صحیح و نیز آنچه را که شایسته اعتقاد و باور است بیان کرده و برای هر مسئله دلیلی بیاورم تا حجتی باشد بر مخالفین ما و (همچنین) موجب علم گردد، چه از ظاهر قرآن یا سنت قطعی یا اجماع یا دلیل خطاب یا استصحاب حال، بنابراین آنچه که شمار زیادی از شیعیان بدان گرایش دارند باشد، یا دلالت اصل یا فحوای خطاب. و نیز خبری از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که عمل بدان و اطاعت از آن بر مخالفین واجب است، ذکر کنم و به دنبال آن خبری را که از پیامبر (ص) یا ائمه (ع) روایت شده است از طریق خاصه بیاورم، و اگر آن مسئله، مسئله‌ای باشد که مورد اجماع شیعیان است آن را ذکر کنم، و اگر اختلافی در آن دارند به آن اشاره کنم، و (در انجام این کار) طریق اختصار پیش گیرم، چرا که شرح آن به طول می‌انجامد و چه بسا برای مراجعین ملال‌آور باشد، ما بخش زیادی از آن را در کتاب «تهذیب الاحکام» و «الاستبصار» ذکر کرده‌ایم، هر چند این دو کتاب محدود به آن چیزی است که روایت کرده‌ایم.

به حول و قوه الهی تقاضایان را اجابت کردم و به پیشنهاد شما طریق

ایجاز گزیدم.»

از این کلام برمی‌آید که شیخ کتاب «مسائل الخلافا» را پس از تألیف

تهذیب الاحکام و استبصار به رشته تحریر در آورده است و در آن با مخالفین به بحث و مناظره پرداخته است. کتاب الخلاف در تهران (ایران) سال ۱۳۷۰هـ به دستور مرجع شیعیان سید حسین بروجردی^{۱۸} همراه با تعلیقاتش در دو جلد به چاپ رسید: جلد اول در (۲۷۸ص) و جلد دوم در (۲۶۴ص). (اخیرا نیز چاپ تحقیق شده‌ای در چندین جلد به طبع

۱۸. وی مجتهدی بزرگ، فقیهی برجسته، و پیشوای شیعیان است. (در سال ۱۲۹۲هـ متولد شد و در سال ۱۳۸۰هـ از دنیا رفت). وی فقیه، اصول‌شناس، محدث، رجال‌شناس، حکیم، و عالم علم انساب می‌باشد که در هر یک از فنون اسلامی دستاوردی تازه دارد. با شایستگی تمام بر بلندای رفیع مرجعیت ایستاد و با صلاحیتی هر چه تمام‌تر این مسئولیت را به انجام رساند، پس از امام ابوالحسن اصفهانی در یک دوره پانزده ساله مرجعیت وی از رفیع‌ترین و نیرومندترین مرجعیت‌ها بوده است، شکوه و عظمتش بیشتر و نام و ثنائش جاودان گردد. آنچه باعث امتیاز وی شد همت عالی او در نشر میراث جاودان شیعه بود. (وی) تعداد بسیار زیاد و مجموعه باارزشی - مخصوصا از تالیفات قدما را - منتشر کرد، (اما) با وجود اینکه دو موسوعه عظیم تالیف کرد امکان چاپ تالیفاتش رجوع نداشت. این دو موسوعه بزرگ عبارتند از:

۱. جامع احادیث الشیعه، بزرگ‌ترین موسوعه‌ای که احادیث احکام شیعیان را گردآوری کرده است.

۲. الموسوعه الرجالیه الخالده، گردآورنده اسانید کتب حدیثی مهم. این دو مجموعه پس از وفات ایشان به طبع رسیدند.

ما از شیوه جدید وی در تالیف الموسوعه الرجالیه در کتاب «المنهج الرجالی و العمل الرائد فی الموسوعه الرجالیه» سخن گفته‌ایم و گوشه‌ای از اهمیت و عظمت آن را شرح داده‌ایم، همچنین به گوشه‌ای از عظمت آقای بروجردی اشاره کرده‌ایم، کتابمان را در این شماره معرفی خواهیم کرد.

همچنین ایشان ره ایجاد موسسات دینی و علمی اقدام کرد که از مهم‌ترین آنها طرح دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه در شهر قاهره می‌باشد. این (همان) طرح مهمی است که قبل از وی هیچ‌یک از علما و اندیشمندان مسلمان آن را اجرا نکرده بود، همچنان که پس از وی نیز کسی به این مقصود دست نیافت.

منبع:

علوم الحدیث، سال سوم ۱۴۲۰ھ، شماره ۶، ص ۱۵۴ الی ۱۶۷.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پښتونستان ښار
پښتونستان ښار
پښتونستان ښار

● گفت و گو



پروفیسر شہباز گل شاہ علموں انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علموں انسانی